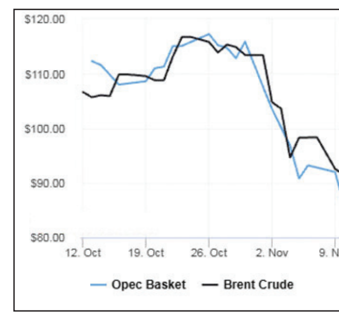
تحلیل

کاهش قیمت نفت معکوس شد



قیمت نفت در معاملات روز چهارشنبه بازار جهانی، افزایش یافت و از پایین‌ترین حد بیش از دو ماه گذشته که روز سه‌شنبه به آن نزول کرده بود، فاصله گرفت. به گزارش ایسنا، قیمت نفت خام برنت با یک دلار و ۴ سنت معادل ۱.۱ درصد افزایش، به ۹۲ دلار و ۵۳ سنت در هر بشکه رسید. قیمت نفت خام «وست تگزاس اینترمدیت» (WTI) امریکا نیز با ۶۷ سنت معادل ۰.۸ درصد افزایش، به ۸۶ دلار و ۷۱ سنت در هر بشکه رسید.

بر اساس داده‌های «موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک»، پس از آنکه در اکتبر ۳۷ حادثه امنیتی برای کشتی‌ها ثبت شد که بالاترین آمار ماهانه از آغاز جنگ در خاورمیانه محسوب می‌شود اطلاعات اخیر نشان‌دهنده کاهش این وقایع در نوامبر نیست. سازمان «عملیات تجارت دریایی بریتانیا» روز سه‌شنبه اعلام کرد که یک نفتکش در شمال شرقی «لیما» در عمان هدف قرار گرفته است. نیروی دریایی سپاه پاسداران ایران نیز در بیانیه‌ای جداگانه در روز سه‌شنبه اعلام کرد که دو نفتکش متخلف پس از برخورد با مین‌های دریایی در یک «مسیر غیرمجاز» در تنگه هرمز، دچار آتش‌سوزی شده‌اند. در جلسه معاملاتی پیشین، پس از آنکه مقامات امریکایی ضرورت انجام حملات نظامی بیشتر علیه ایران را کم‌اهمیت جلوه دادند، قیمت نفت در ابتدا بیش از ۳ دلار در هر بشکه کاهش یافت اما پس از آنکه ایران اعلام کرد هیچ‌گونه مذاکره‌ای میان دو طرف در جریان نیست، قیمت نفت بخشی از این زیان را جبران کرد. در همین حال، منابع بازار با استناد به داده‌های «موسسه امریکن پترولیوم» گزارش دادند که ذخایر نفت خام امریکا در هفته گذشته، افزایش یافته است. به گفته این منابع، در هفته منتهی به ۶ نوامبر، میزان ذخایر نفت خام ۹ میلیون بشکه افزایش داشته است. بر اساس جدیدترین داده‌های اداره اطلاعات انرژی امریکا (EIA)، موجودی بنزین در هفته منتهی به ۶ نوامبر، تنها ۴ هزار بشکه افزایش یافت. این در حالی است که در هفته پیش از آن، موجودی بنزین ۱.۴۲۷ میلیون بشکه افزایش یافته بود. همچنین طبق همین داده‌ها، موجودی بنزین در هفته قبل از آن، ۲ درصد کمتر از میانگین پنج‌ساله برای این مقطع از سال بود. موجودی فرآورده‌های میان‌تقطیر نیز با افزایشی ۱.۵ میلیون بشکه‌ای همراه بود؛ این در حالی است که در هفته پیش از آن، ۲۷۰ هزار بشکه از این ذخایر کاسته شده بود. بر اساس آمار اداره اطلاعات انرژی، در آغاز این دوره گزارش‌دهی، سطح موجودی فرآورده‌های میان‌تقطیر ۱۳ درصد پایین‌تر از میانگین پنج‌ساله قرار دارد. در این بین، منابع صنعتی اعلام کردند که در روسیه، به‌دنبال حملات مجدد پهپادهای اوکراینی، ظرفیت پالایش نفت از اواخر اکتبر حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. بر اساس گزارش رویترز، روز سه‌شنبه، مقامات روسیه و اوکراین در ابوظبی گرد هم آمدند تا نخستین دور مذاکرات صلح خود را از فوریه تاکنون برگزار کنند و همزمان فرستادگان دونالد ترامپ، رییس‌جمهور امریکا، تلاش‌های تازه‌ای را برای پایان دادن به این جنگ آغاز کرده‌اند.

با وجود ادعای منابع غربی

جریان نفت خاورمیانه نشانی از عادی شدن ندارد



در حالی که شرکت‌های غربی رصدکننده نفتکش‌ها مدعی هستند صادرات نفت خام خاورمیانه به سطوحی نزدیک به دوران پیش از تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران بازگشته، اما نرخ‌های بی‌سابقه اجاره نفتکش‌ها و نرخ اضافی مربوط به ریسک جنگ همچنان باری سنگین محسوب می‌شوند، به‌طوری که با وجود کاهش قیمت نفت، هزینه حمل‌ونقل نفت خام به ۳۰ دلار در هر بشکه رسیده است.

به گزارش ایسنا، بیش از یک ماه است که سامانه‌های ردیابی کشتی‌ها نشان می‌دهند جریان نفت خام از طریق تنگه هرمز و در سراسر منطقه خاورمیانه، به سطوحی نزدیک به دوران قبل از آغاز تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، بازگشته است.

ضعیف شدن قیمت‌های شاخص نفت خاورمیانه در هفته‌های اخیر، حاکی از احتمال شکل‌گیری مازاد عرضه نفت است که ناشی از افزایش صادرات کشورهای حوزه خلیج فارس و هم‌زمان، کاهش تقاضای جهانی به دلیل قیمت‌های بالا است. در ظاهر، به نظر می‌رسد که مازاد عرضه نفت خام در حال شکل‌گیری است، اما هزینه‌ها برای پالایشگاه‌ها و مصرف‌کنندگان کاهش نیافته است. جنگ، نرخ ریسک اضافی و نرخ‌های بی‌سابقه اجاره نفتکش‌ها، هزینه حمل هر بشکه نفت خام را از حدود ۵ دلار در دوران پیش از جنگ، به ۳۰ دلار و گاهی حتی بیشتر رسانده است. تولیدکنندگان خاورمیانه ناچارند برای جذب مشتری، قیمت‌های رسمی فروش خود را به‌شدت کاهش دهند، چرا که بهبود صادرات از خلیج فارس باعث تضعیف قیمت‌های نقدی نفت‌های تولیدی این منطقه شده است. علاوه بر این، با توجه به هزینه‌های بالای حمل‌ونقل دریایی، نفت خام خاورمیانه تنها در صورتی می‌تواند خریداران آسیایی - که نسبت به قیمت بسیار حساس هستند - را جذب کند که با قیمت‌های پایین‌تری عرضه شود. نحوه قیمت‌گذاری نفت‌های خاورمیانه و تضعیف ساختار بازار نفت‌های شاخص این منطقه، همگی نشان‌دهنده شکل‌گیری مازاد عرضه نفت هستند. با این حال، شوک واردشده به بازارهای جهانی نفت و سوخت هنوز به پایان نرسیده است، زیرا افزایش حجم جریان نفت، به معنای کاهش مخاطرات حمل‌ونقل نیست. ممکن است الگوهای عادی تجارت نفت که پیش از جنگ ایران وجود داشت، دیگر هرگز بازنگردند. تا زمانی که بازار با شرایط جدید سازگار شود، ریسک‌های ناشی از جنگ و نرخ ریسک اضافی، همچنان بر جریان نفت خام سایه خواهند افکند. در پنج روز معاملاتی پس از انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا که امیدها به پایان جنگ در خاورمیانه را تقویت کرد، قیمت نفت خام برنت حدود ۱۷ درصد کاهش یافت و در اوایل روز سه‌شنبه به کمی بالاتر از ۹۱ دلار در هر بشکه رسید. اما بازار که در هشت ماه گذشته بارها به دلیل شکست ناگهانی تلاش‌ها برای انجام مذاکرات صلح، غافلگیر شده، همچنان محتاط مانده است. با این حال، مازاد عرضه که در کوتاه‌مدت احساس می‌شود، بر قیمت نفت خام خاورمیانه فشار می‌آورد. منحنی قیمت شاخص نفت دوبی در هفته گذشته نشان داد که برای نخستین‌بار از اوایل ژوئیه - زمانی که آتش‌بس سه‌هفته‌ای میان ایران و امریکا اجازه داد میلیون‌ها بشکه نفت بدون مانع از تنگه هرمز عبور کنند - میزان عرضه نفت از خاورمیانه از تقاضا پیشی گرفته است. غول نفتی «آرامکو» عربستان، هفته گذشته قیمت نفت خام شاخص خود - نفت سبک عربی (Arab Light) - را برای محموله‌هایی که در دسامبر به مقصد آسیا بارگیری می‌شوند، ۲ دلار در هر بشکه کاهش داد. این نفت اکنون با تخفیف ۶.۵۰ دلاری نسبت به میانگین قیمت نفت عمان/دوبی عرضه می‌شود. این بیشترین میزان تخفیف نسبت به شاخص قیمت خاورمیانه از ماه مه ۲۰۲۰، اوج دوران همه‌گیری کووید-۱۹، محسوب می‌شود. با این حال، به‌دلیل کمبود نفتکش‌ها و نرخ‌های اضافی سنگین مربوط به ریسک جنگ، هزینه انتقال نفت خام از این منطقه همچنان بسیار بالاست و بازگشت صادرات فرآورده‌های نفتی از خاورمیانه به شرایط عادی، هنوز دور از دسترس به نظر می‌رسد. حتی اگر جنگ تحمیلی علیه ایران و جنگ روسیه و اوکراین تا پایان سال با توافق‌های صلح پایدار به پایان برسند، فرضیه «مازاد عرضه» ممکن است درست از آب درنیاید، زیرا ذخایر جهانی به قدری کاهش یافته‌اند که بازگرداندن آنها به سطوح کافی، ماه‌ها و احتمالاً چند سال زمان خواهد برد. امین ناصر، مدیرعامل شرکت «آرامکو»، ماه گذشته در کنفرانسی در حوزه انرژی در ریاض گفت: «پر کردن مجدد ذخایر، هم‌زمان با پاسخگویی به تقاضا، ممکن است تا دو سال طول بکشد.» مدیرعامل شرکت ملی نفتی ابوظبی «ادنوک» (ADNOC)، هفته گذشته هشدار داد که ذخایر گازوییل در برخی بازارها به پایین‌ترین سطح فصلی خود در ۳۵ سال اخیر سقوط کرده است. یس. سلطان الجابر، مدیرعامل ادنوک، در کنفرانس انرژی «ادیپک ۲۰۲۶» (ADIPEC ۲۰۲۶) در ابوظبی گفت که با توجه به اینکه بحران خاورمیانه موجب شده است نزدیک به یک میلیارد بشکه نفت خام از ذخایر برداشت شود، سیستم جهانی انرژی باید تاب‌آوری بیشتری داشته باشد.

کسری ۲ هزار همتی و عقب‌ماندگی سرمایه‌گذاری در صنعت برق



انباشت بیش از ۵۰۰ همت بدهی در زنجیره صنعت برق و فاصله هزار تومانی هزینه تولید و قیمت فروش هر کیلووات‌ساعت برق، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در این صنعت را با چالش جدی روبرو کرده است.

به گزارش مهر، صنعت برق کشور در شرایطی با نیاز فزاینده به توسعه ظرفیت تولید، نوسازی نیروگاه‌ها و تقویت شبکه انتقال و توزیع مواجه است که شکاف میان هزینه تمام‌شده تولید و قیمت فروش برق، منابع مالی این صنعت را با محدودیت جدی روبرو کرده و بدهی‌های انباشته به تولیدکنندگان، پیمانکاران و سازندگان تجهیزات را افزایش داده است.

برآوردهای اعلام‌شده از سوی فعالان صنعت برق نشان می‌دهد مجموع مطالبات انباشته در زنجیره این صنعت از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان فراتر رفته و در مقابل، مطالبات صنعت برق از دولت و صنایع نیز به حدود ۵۸۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. در همین حال، برآورد کسری منابع صنعت برق حدود ۲ هزار همت اعلام شده و میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در این بخش فاصله قابل توجهی با نیازهای توسعه‌ای کشور دارد.

یکی از مهم‌ترین ریشه‌های این وضعیت، فاصله میان هزینه تولید و قیمت فروش برق است؛ به‌طوری که به گفته مسوولان صنعت برق، هزینه تمام‌شده هر کیلووات‌ساعت برق بدون احتساب سوخت حدود هزار و ۹۰۰ تومان است، اما متوسط دریافتی از محل فروش آن حدود ۹۰۰ تا هزار تومان برآورد می‌شود. به این ترتیب، با تولید و فروش هر کیلووات‌ساعت برق، حدود هزار تومان شکاف مالی ایجاد می‌شود که در نهایت به بدهی‌های زنجیره صنعت برق اضافه خواهد شد.

محمد الهداد، مدیرعامل شرکت توانیر، با اشاره به اختلاف میان قیمت تمام‌شده و دریافتی صنعت برق گفته است هزینه تمام‌شده هر کیلووات‌ساعت برق بدون احتساب سوخت حدود هزار و ۹۰۰ تومان و متوسط دریافتی از مشترکان حدود ۹۰۰ تومان است هزینه تمام‌شده هر کیلووات‌ساعت برق بدون احتساب سوخت حدود هزار و ۹۰۰ تومان و متوسط دریافتی از مشترکان حدود ۹۰۰ تومان است. بر این اساس، فروش برق با تعرفه‌های فعلی به ازای هر واحد انرژی، حدود هزار تومان به بدهی‌های این صنعت اضافه می‌کند.

این شکاف در شرایطی ایجاد می‌شود که هزینه تأمین برق تنها به خرید انرژی از نیروگاه‌ها محدود نیست و نگهداری شبکه، تعمیرات، تأمین تجهیزات و اجرای طرح‌های توسعه‌ای نیز به منابع مالی مستمر نیاز دارد. مصطفی رجبی‌مشهدی، معاون برق و انرژی وزیر نیرو، نیز با اشاره به هزینه‌های جاری خرید برق و سوخت اعلام کرده است برای تأمین این هزینه‌ها به حدود ۲ هزار و ۵۰۰ تومان به ازای هر کیلووات‌ساعت منابع نیاز است، در حالی که متوسط دریافتی حدود هزار تومان برآورد می‌شود و تنها نزدیک به ۴۰ درصد هزینه‌ها از محل دریافتی‌ها پوشش داده می‌شود.

از سوی دیگر، حدود ۲۲ هزار مگاوات برق با تعرفه‌های حمایتی و تکلیفی عرضه می‌شود و به گفته مسوولان صنعت برق، منابع جبرانی متناسب با این تعهدات تأمین نشده است. این مساله در کنار تعدد نرخ‌های تعرفه‌ای، نظام درآمدی صنعت برق را با پیچیدگی بیشتری مواجه کرده است. مهدی مسائلی، دبیر سندیکای صنعت برق ایران، در همین زمینه از تعریف ۱۱۶ نرخ تعرفه برق خبر داده و گفته است بخش عمده‌ای از این نرخ‌ها خارج از وزارت نیرو تعیین می‌شود. به گفته وی، تعدد مراجع تصمیم‌گیر در تعیین تعرفه‌ها و مداخلات مختلف در نظام قیمت‌گذاری، امکان مدیریت اقتصادی یکپارچه این صنعت را دشوار کرده است. محمدهادی فقیه‌زاده، رییس هیات‌مدیره سندیکای صنعت برق ایران، مجموع مطالبات انباشته در زنجیره برق کشور را بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرده است؛ رقمی که بیش از ۷۰ درصد آن به مطالبات حاصل از فروش برق و بخش باقی‌مانده به پیمانکاران اجرایی، سازندگان و تأمین‌کنندگان تجهیزات اختصاص دارد. این مطالبات تنها به صورت حساب‌های پرداخت‌نشده محدود نیست و بخشی از آن به صورت وضعیت‌های در انتظار تأیید، پروژه‌های تحویل‌شده و طرح‌های در آستانه تحویل بازمی‌گردد. به گفته فقیه‌زاده، مطالبات فعالان این حوزه ماهیت ریالی و ارزی دارد و تأخیر در پرداخت آنها، توان مالی شرکت‌های فعال در زنجیره تأمین را برای ادامه فعالیت و اجرای پروژه‌های جدید محدود کرده است.

در سوی دیگر این زنجیره، امیرحسین طاهرزاده، نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکای صنعت برق، از مطالبه حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان بابت مابه‌التفاوت نرخ‌های تکلیفی و تعهدات دولت از سال ۱۳۹۴ خبر داده است. علاوه بر این، حدود ۱۳۰ هزار میلیارد تومان نیز از صنایع کشور مطالبه می‌شود که مجموع مطالبات صنعت برق از دولت و صنایع را به حدود ۵۸۰ هزار میلیارد تومان می‌رساند.

مدیرعامل توانیر نیز میزان مطالبات صنعت برق از مشترکان را حدود ۱۳۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرده و گفته است ۷۵ هزار میلیارد تومان از این رقم به مشترکان صنعتی مربوط می‌شود. به گفته وی، بخشی از این مطالبات مربوط به دو تا سه سال گذشته است و تأخیر در وصول آنها، ارزش واقعی منابع قابل دریافت را کاهش داده است. در برآوردهای دیگری نیز وزیر نیرو از بدهی بیش از ۱۱۰ هزار میلیارد تومانی وزارت نیرو به بخش‌های مختلف صنعت برق و وجود مطالباتی در همین حدود از مصرف‌کنندگان و بخش‌های صنعتی خبر داده است. همچنین در یک برآورد، بدهی وزارت نیرو به پیمانکاران و تولیدکنندگان برق تا پایان سال ۱۴۰۴ حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده و معاون برق و انرژی وزیر نیرو نیز رقم بدهی به تولیدکنندگان دولتی و خصوصی، پیمانکاران و سایر بخش‌های مرتبط را حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است. این ارقام به دلیل تفاوت در دامنه بدهی‌ها، گروه‌های طلبکار و دوره محاسبه، قابل جمع با یکدیگر نیستند؛ اما مجموعه آنها از گستردگی مطالبات و تعهدات پرداخت‌نشده در بخش‌های مختلف صنعت برق حکایت دارد. مشکلات مالی صنعت برق تنها به بدهی‌های جاری و مطالبات پرداخت‌نشده محدود نمی‌شود و تأمین سرمایه مورد نیاز برای توسعه ظرفیت تولید و زیرساخت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. رجبی‌مشهدی کسری منابع صنعت برق را حدود ۲ هزار همت اعلام کرده و گفته است برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای این بخش، حدود ۲۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است. در همین حال، برآوردهای مطرح‌شده درباره برنامه هفتم توسعه، نیاز سرمایه‌گذاری صنعت برق را حدود ۲۰ میلیارد دلار طی پنج سال و نیاز سالانه آن را حدود چهار تا ۴.۲ میلیارد دلار عنوان می‌کند؛ این در حالی است که سرمایه‌گذاری تحقق‌یافته سالانه در این صنعت کمتر از یک میلیارد دلار برآورد شده است.

بر اساس برنامه هفتم توسعه، ظرفیت تولید برق کشور باید به حدود ۱۲۴ هزار مگاوات برسد؛ در حالی که ظرفیت نصب‌شده فعلی حدود ۱۰۳ هزار مگاوات اعلام شده. بر اساس برنامه هفتم توسعه، ظرفیت تولید برق کشور باید به حدود ۱۲۴ هزار مگاوات برسد؛ در حالی که ظرفیت نصب‌شده فعلی حدود ۱۰۳ هزار مگاوات اعلام‌شده و برای تحقق هدف برنامه، توسعه و نوسازی بخش قابل توجهی از ظرفیت تولید ضروری است.

کمبود منابع مالی در شرایطی ادامه دارد که صنعت برق برای جبران آسیب‌های واردشده به زیرساخت‌ها، افزایش راندمان نیروگاه‌ها، توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر و تقویت شبکه انتقال و توزیع نیز به سرمایه‌گذاری نیاز دارد. برنامه افزایش ۴۵۰۰ مگاواتی ظرفیت نیروگاه‌های حرارتی و توسعه ۶ هزار مگاوات ظرفیت خورشیدی تا اوج بار سال آینده، از جمله طرح‌هایی است که اجرای آنها به تأمین منابع مالی و مشارکت سرمایه‌گذاران وابسته است.

در همین زمینه، فعالان صنعت برق نسبت به پیامدهای تداوم کمبود سرمایه‌گذاری بر فعالیت شرکت‌های داخلی هشدار داده‌اند. به گفته مسوولان سندیکای صنعت برق، حدود ۸۷۰ شرکت در زنجیره تأمین این صنعت فعالیت می‌کنند که بیش از ۲۵۰ هزار نفر اشتغال مستقیم دارند. کاهش سرمایه‌گذاری و تأخیر در پرداخت مطالبات، توان این شرکت‌ها برای حفظ ظرفیت تولید و اجرای پروژه‌های جدید را تحت فشار قرار داده است. همچنین سهم ارزش افزوده تجهیزات برقی از حدود پنج درصد به کمتر از سه درصد کاهش یافته است؛ موضوعی که از نگاه فعالان این صنعت، نشانه‌ای از تضعیف جایگاه تولیدکنندگان داخلی در زنجیره اقتصادی برق است. با وجود اعلام تأمین حدود ۹۵ درصد تجهیزات مورد نیاز صنعت برق از داخل کشور، تولیدکنندگان همچنان برای تهیه برخی مواد اولیه، قطعات تخصصی و تجهیزات پیشرفته به منابع ارزی نیاز دارند. فعالان این صنعت معتقدند محدودیت در تخصیص ارز و باقی ماندن تجهیزات مورد نیاز در صف‌های طولانی تأمین ارز، روند تولید و اجرای پروژه‌های زیرساختی را با تاخیر مواجه ساخته است. فقیه‌زاده با تأکید بر ضرورت اولویت‌بخشی به تجهیزات صنعت برق در تخصیص ارز، خواستار واگذاری اختیار تصمیم‌گیری و کنترل مستقیم منابع ارزی مورد نیاز این صنعت به وزارت نیرو شده است تا این وزارتخانه بتواند متناسب با نیازهای تولید، اجرا و توسعه زیرساخت‌ها درباره تخصیص منابع تصمیم‌گیری کند. این درخواست در شرایطی مطرح می‌شود که بخش قابل توجهی از تجهیزات صنعت برق در داخل کشور تولید می‌شود و شرکت‌های داخلی در حوزه‌هایی مانند ساخت ترانسفورماتور، تجهیزات انتقال و توزیع و قطعات نیروگاهی به توانمندی‌های قابل توجهی دست یافته‌اند؛ با این حال، خودکفایی در ساخت تجهیزات به معنای بی‌نیازی از تأمین ارز برای مواد اولیه و فناوری‌های تخصصی نیست. یکی دیگر از پیامدهای مشکلات مالی و محدودیت سرمایه‌گذاری، کاهش حضور شرکت‌های ایرانی در بازارهای صادراتی برق و خدمات مهندسی است. طاهرزاده اعلام کرده است میزان صادرات برق و خدمات مهندسی ایران در شرایط فعلی کاهش یافته و تحریم‌ها و مشکلات سیاسی، محدودیت‌های جدی برای صادرات انرژی و خدمات فنی و مهندسی ایجاد کرده‌اند. به گفته وی، عراق در گذشته یکی از مهم‌ترین مقاصد صادرات برق و خدمات مهندسی ایران بود، اما اکنون صادرات انرژی به این کشور نیز تحت تأثیر مشکلات موجود قرار گرفته است. فعالان صنعت برق معتقدند بازگشت به بازارهای منطقه‌ای و توسعه صادرات، پیش از هر چیز به سرمایه‌گذاری در داخل، تقویت توان تولید و فراهم شدن امکان تأمین مالی پروژه‌ها وابسته است. بازگشت به بازارهای منطقه‌ای و توسعه صادرات، پیش از هر چیز به سرمایه‌گذاری در داخل، تقویت توان تولید و فراهم شدن امکان تأمین مالی پروژه‌ها وابسته است.

در این میان، محدودیت منابع مالی و ارزی تنها بر تولیدکنندگان تجهیزات اثر نمی‌گذارد، بلکه توان پیمانکاران برای اجرای پروژه‌های انتقال و توزیع و شرکت‌های نیروگاهی برای توسعه ظرفیت تولید را نیز کاهش می‌دهد. فعالان صنعت برق، اصلاح نظام اقتصادی و تعرفه‌ای را یکی از پیش‌شرط‌های خروج این صنعت از چرخه انباشت بدهی می‌دانند؛ با این حال، مدیرعامل توانیر تأکید کرده است که جامعه ظرفیت اصلاح یک‌باره فاصله میان قیمت تمام‌شده و قیمت فروش برق را ندارد و این روند باید به‌تدریج و با حفظ حمایت از اقشار کم‌برخوردار دنبال شود. بر اساس توضیحات وی، اولویت اصلاح تعرفه‌ها باید مشترکان پرمصرف و بدمصرف در بخش‌های خانگی، صنعتی، کشاورزی و تجاری باشند و مدیریت هوشمند مصرف نیز پیش از صدور قبض‌های سنگین، برای کنترل رفتار مصرفی مشترکان به کار گرفته شود.

از سوی دیگر، سندیکای صنعت برق بر ضرورت افزایش سهم معاملات برق در بورس و قراردادهای دوجانبه تأکید کرده است. بر اساس پیشنهادهای مطرح‌شده، سهم این معاملات باید مطابق ماده ۴۳ قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق تا ۶۰ درصد افزایش یابد تا زمینه مشارکت بیشتر صنایع و بخش خصوصی در تأمین و خرید برق فراهم شود.

همچنین استفاده از ظرفیت بورس انرژی و تابلوی سبز برای توسعه معاملات برق تجدیدپذیر، از دیگر راهکارهای مورد تأکید فعالان این صنعت است. با این حال، به اعتقاد آنان، اصلاح سازوکارهای بازار و قیمت‌گذاری بدون تعیین تکلیف بدهی‌های انباشته، تأمین منابع مالی پایدار و تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به ارز، برای رفع مشکلات ساختاری صنعت برق کافی نخواهد بود.

بر این اساس صنعت برق با مجموعه‌ای از چالش‌های به‌هم‌پیوسته شامل شکاف هزینه تولید و قیمت فروش، مطالبات وصول‌نشده، بدهی به تولیدکنندگان و پیمانکاران، کمبود سرمایه‌گذاری و محدودیت تأمین ارز مواجه است؛ مسائلی که در کنار نیاز به توسعه ظرفیت تولید و بازسازی زیرساخت‌ها، اصلاح اقتصاد برق و تعیین تکلیف جریان مالی این صنعت را به یکی از ضرورت‌های اصلی حفظ پایداری و توسعه شبکه برق کشور تبدیل کرده است.

ادامه از صفحه اول

تورم با کاهش نقدینگی مهار نمی‌شود

بنابراین، سیاست‌گذار باید به جای تمرکز صرف بر کاهش حجم نقدینگی، به دنبال اصلاح مسیر حرکت منابع مالی باشد؛ به گونه‌ای که تأمین مالی تولید نسبت به فعالیت‌های دلالی و غیرمولد مزیت بیشتری پیدا کند. از سوی دیگر، انتظارات تورمی نیز در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از تشدید تحریم‌ها از سال ۱۳۹۷، بر رفتار اقتصادی اثر گذاشته است. بی‌ثباتی سیاسی و نااطمینانی، تصمیم‌گیری تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران را دشوار می‌کند و می‌تواند منابع را به سمت فعالیت‌هایی سوق دهد که امکان حفظ ارزش دارایی در آنها بیشتر است. در چنین فضایی، سیاست پولی بدون توجه به شرایط عمومی اقتصاد نمی‌تواند به‌تنهایی تورم را مهار کند. در نهایت، اصلاح مسیر نقدینگی به اصلاحات گسترده‌تری در ساختار حکمرانی اقتصادی نیاز دارد. کاهش بروکراسی، ثبات مقررات، بهبود کیفیت مدیریت، مقابله با ناشایسته‌سالاری و بازنگری در قوانین ضدتولید، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند هزینه فعالیت مولد را کاهش دهند. تجربه طرح‌هایی مانند اعلام سال رفع موانع کسب‌وکار نیز نشان داده است که بدون تغییر واقعی ساختارها، نام‌گذاری‌ها و سیاست‌های اعلامی به‌تنهایی نتیجه‌ای ایجاد نمی‌کنند. بنابراین، اگر هدف مهار پایدار تورم است، باید به جای محدود کردن نقدینگی به عنوان یک هدف مستقل، شرایطی فراهم شود که منابع مالی به سمت تولید حرکت کنند. تا زمانی که تولید پرهزینه و فعالیت غیرمولد آسان و پرسود باقی بماند، کاهش نقدینگی نه مشکل اصلی را برطرف می‌کند و نه تضمینی برای کنترل تورم خواهد بود. مساله اقتصاد ایران کمبود منابع مالی در همه بخش‌ها نیست؛ مساله این است که ساختارهای موجود، منابع را به مسیری هدایت می‌کنند که لزوماً به افزایش تولید و رفاه اقتصادی منجر نمی‌شود.

آیا نرخ بهره ۳۴ درصدی حریف تورم می‌شود؟

افزایش نرخ سود بانکی درست مانند دادن یک داروی تلخ و طاقت‌فرسا به مریضی است که از تب شدید رنج می‌برد. اما اگر پزشک علت اصلی تب یعنی عفونت سیستمیک (کسری بودجه سنگین دولت و ناترازی‌های بانکی) را درمان نکند، این داروی سنگین فقط بخش مولد اقتصاد، بخش خصوصی و مردم عادی را زمین‌گیر خواهد کرد؛ بدون اینکه آتش تورم واقعاً خاموش شود. مشکل بنیادین اقتصاد ایران صرفاً ارزان بودن پول نیست؛ مشکل اینجاست که ساختار معیوب تولید پول، فساد سیستمیک بانکی و بودجه‌های غیرمتعادل، همچنان موتورهای اصلی و روشنِ تولید تورم در کشور هستند.

رویداد

زمستان بدون قطعی گاز با یک درجه کاهش دما

برآوردها حاکی از آن است که ناترازی گاز در زمستان پیش رو در پی آسیب‌های ناشی از جنگ تحمیلی سوم به حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب برسد، شرایطی که می‌تواند ۱۱ استان کشور را با تنش گازی مواجه کند؛ در این شرایط مسوولان معتقدند کاهش یک درجه‌ای دمای محیط توسط شهروندان هم می‌تواند نقش موثری در مدیریت مصرف و عبور از روزهای سرد سال داشته باشد. به گزارش ایسنا، با فرارسیدن روزهای سرد سال و افزایش مصرف گاز در بخش خانگی و تجاری، ضرورت مدیریت مصرف و اصلاح الگوی استفاده از انرژی بیش از گذشته اهمیت پیدا می‌کند؛ به‌ویژه آنکه امسال بخشی از ظرفیت تولید گاز کشور در پی آسیب به تأسیسات پالایشگاهی از مدار خارج شده و با وجود تلاش‌های انجام‌شده برای بازگرداندن ظرفیت‌های آسیب‌دیده همچنان حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب از توان تولیدی کشور احیا نشده است. این شرایط در کنار ناترازی سال‌های گذشته ضرورت همراهی مشترکان و استفاده بهینه از منابع موجود را دوچندان می‌کند. از سوی دیگر ناترازی گاز در سال‌های گذشته و در دوره اوج مصرف حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب برآورد می‌شد. بنابراین با در نظر گرفتن ظرفیت تولیدی احیانشده و ناترازی موجود، کشور در زمستان پیش‌رو با شرایطی مواجه است که مجموع کاهش ظرفیت و ناترازی گاز می‌تواند به حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب برسد. در چنین وضعیتی مدیریت مصرف دیگر صرفاً یک توصیه عمومی نیست بلکه ضرورتی برای حفظ پایداری شبکه و تأمین مطمئن گاز در بخش‌های مختلف کشور محسوب می‌شود. در همین رابطه فاطمه مهاجرانی - سخنگوی دولت - اخیراً از برآورد نهایی دولت درباره میزان ناترازی گاز در زمستان پیش‌رو خبر داده و اعلام کرده است که این رقم حدود ۴۳۰ میلیون مترمکعب خواهد بود. به گفته وی دولت از مدت‌ها قبل و با توجه به گزارش‌های سازمان هواشناسی و شناخت شرایط کشور پیش‌بینی‌های لازم را انجام داده و دستگاه‌های مختلف نیز اقدامات خود را آغاز کرده‌اند. از جمله این اقدامات می‌توان به آغاز عملیات بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده و برنامه‌ریزی برای مدیریت شرایط شبکه گاز کشور اشاره کرد. سخنگوی دولت با اشاره به موقعیت جغرافیایی برخی استان‌ها در شبکه گازرسانی کشور اظهار کرده است که برخی شهرهای کشور به‌ویژه استان‌های شمالی در انتهای شبکه گازرسانی قرار دارند و به همین دلیل ممکن است در این مناطق با افت فشار شبکه مواجه شویم. مهاجرانی با تأکید بر اهمیت حفظ پایداری شبکه گاز توضیح داده است که برخلاف شبکه برق که امکان قطع و وصل مجدد آن وجود دارد وصل مجدد گاز فرآیندی بسیار زمان‌بر است، از همین رو جلوگیری از بروز اختلال در شبکه گاز اهمیت ویژه‌ای دارد. عبور مناسب از شرایط پیش‌رو به صرفه‌جویی در مصرف گاز نیاز دارد و احتمال قطعی گاز در تهران نیز مانند سایر نقاط کشور به میزان مصرف بستگی دارد به‌طوری که در صورت افزایش شدید مصرف احتمال قطعی گاز در همه نقاط کشور وجود خواهد داشت.

در این میان یکی از نگرانی‌های مطرح‌شده درباره زمستان پیش‌رو وضعیت استان‌هایی است که به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در انتهای شبکه انتقال و توزیع، در شرایط افزایش مصرف با احتمال بیشتری برای افت فشار مواجه می‌شوند. اگرچه احتمال بروز تنش گازی در برخی استان‌های شمالی بیشتر ارزیابی شده اما مدیریت مصرف تنها به ساکنان این مناطق محدود نمی‌شود و همراهی مشترکان در سراسر کشور می‌تواند به کاهش فشار بر شبکه کمک کند. بر اساس اعلام مسوولان، حدود ۸۰ درصد گازی که به شبکه تزریق می‌شود در بخش خانگی و تجاری مصرف می‌شود موضوعی که نشان می‌دهد مدیریت مصرف در این بخش‌ها نقش مهمی در عبور از روزهای سرد سال دارد. با شرایط موجود اگر هر خانواده‌ای تنها یک درجه سانتی‌گراد دمای خانه خود را کاهش دهد، میزان گاز صرفه‌جویی‌شده در مقیاس ملی با تولید یک فاز عسلویه برابری می‌کند. این اقدام به‌ظاهر ساده می‌تواند بدون ایجاد اختلال در الگوی مصرف و کاهش محسوس کیفیت زندگی مشترکان به حفظ پایداری شبکه کمک کند و احتمال مواجهه با قطعی گاز را کاهش دهد. از این رو کاهش مصرف در استان‌های پرمصرف می‌تواند فشار بر شبکه را کمتر و امکان مدیریت بهتر توزیع گاز در مناطق آسیب‌پذیر را فراهم کند. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین توصیه‌های مطرح‌شده از سوی مسوولان صنعت گاز، صرفه‌جویی و تنظیم دمای محیط ساختمان در محدوده استاندارد ۱۸ تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد است. چرا که کاهش حتی یک درجه‌ای دمای محیط در صورت همراهی گسترده شهروندان می‌تواند صرفه‌جویی قابل توجهی در مقیاس ملی به همراه داشته باشد به گونه‌ای که میزان گاز صرفه‌جویی‌شده با تولید یک فاز پارس جنوبی قابل مقایسه باشد. صرفه‌جویی در مصرف گاز لزوماً به معنای تحمل سرما یا کاهش رفاه خانوارها نیست بلکه بخش قابل توجهی از مصرف اضافی به اتلاف انرژی در ساختمان‌ها، تنظیم نامناسب تجهیزات گرمایشی و ورود هوای سرد از درزها و پنجره‌ها مربوط می‌شود. بنابراین با رعایت چند راهکار ساده می‌توان ضمن حفظ دمای مطلوب محیط از مصرف غیرضروری گاز جلوگیری کرد. یکی از این راهکارها تنظیم دمای محیط روی ۱۸ تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد و خودداری از افزایش غیرضروری درجه بخاری و پکیج است. همچنین در صورت احساس سرما می‌توان به‌جای افزایش دمای وسایل گرمایشی، از پوشش مناسب استفاده کرد. درزگیری پنجره‌ها و درها نیز از دیگر اقداماتی است که با جلوگیری از ورود هوای سرد از شکاف‌ها و درزها، میزان اتلاف حرارت را کاهش می‌دهد. همچنین استفاده از پرده‌های ضخیم نیز می‌تواند تبادل حرارتی پنجره‌ها با محیط بیرون را کمتر کند. از سوی دیگر استفاده از تجهیزات گرمایشی پربازده و استاندارد، جایگزینی بخاری‌های کم‌بازده و اصلاح و هوشمندسازی موتورخانه‌ها از جمله راهکارهای موثر برای کاهش مصرف گاز در ساختمان‌ها به شمار می‌رود. بستن فضاهای بلااستفاده و تنظیم گرمایش متناسب با فضای مورد استفاده، مانع از مصرف غیرضروری گاز برای گرم کردن اتاق‌های خالی می‌شود. اگرچه مسوولان از تدوین و اجرای برنامه‌های مختلف برای عبور از زمستان پیش‌رو خبر داده‌اند اما موفقیت این برنامه‌ها بدون همراهی مشترکان امکان‌پذیر نخواهد بود. تنظیم دمای خانه روی ۲۰ درجه، درزگیری پنجره‌ها و استفاده صحیح از وسایل گرمایشی اقداماتی ساده هستند که در صورت اجرای گسترده می‌توانند به حفظ پایداری شبکه گاز کشور کمک کنند.